

تأثیرات سن آغاز یادگیری زبان دوم بر دیدگاه‌ها و هویت ملی زبان‌آموزان جوان ایرانی

منصوره امیری^۱، رضا غفارثمر^{۲*}، غلامرضا کیانی^۳، رامین اکبری^۴

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران و استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۲. دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۳/۳/۸

پذیرش: ۹۳/۶/۱۶

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی نگرش زبان‌آموزان جوان ایرانی در دو گروه سنی هشت و یازده‌ساله، نسبت به زبان و فرهنگ انگلیسی و همچنین، هویت ملی خود زبان‌آموز است. این نگرش یکبار در آغاز پژوهش و بار دیگر در پایان آن بررسی شد که به مدت یک‌سال به طول انجامید. هدف نگارندگان در این مطالعه، بررسی این فرضیه بود که آیا سن آغاز یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری دیدگاه‌های زبان‌آموز نسبت به عوامل یادشده و یا تغییر آن‌ها داشته باشد؟ برای سنجش دیدگاه زبان‌آموزان مجموعه آزمون‌های انگیزه و نگرش^۱ که در سال ۱۹۷۲ م، به‌دست‌گاردنر^۲ و لمبرت^۳ طراحی شد، پس از تحلیل عاملی^۴ و استفاده در آزمون پایلت با اعمال تغییراتی به‌کاررفت. دیگر ابزار به‌کاررفته در این پژوهش، مصاحبه براساس چارچوب پیشنهادی میخائلوویچ دیگونیویچ^۵ (۱۹۹۳) بود. نتایج این بررسی نشان داد که نگرش زبان‌آموزان هشت‌ساله در پایان پژوهش، تفاوتی با آغاز آن ندارد؛ حال آنکه زبان‌آموزان یازده‌ساله نگرشی متفاوت نسبت به فرهنگ انگلیسی و هویت ملی خود در انتهای پژوهش در قیاس با آغاز آن از خود نشان دادند.

کلیدواژه‌ها: نگرش، هویت ملی، زبان‌آموز، فرهنگ، انگیزه.



۱. مقدمه

اگرچه یادگیری زبان خارجه در گذشته تصمیمی شخصی به‌شمار می‌رفت؛ وارد کردن آن به سیستم آموزشی بسیاری از کشورها از مقطع ابتدایی، باعث شد که به بخش اجتناب‌ناپذیری از آموزش برای بیشتر کودکان تبدیل شود (Munoz, 2013). این نگرش معروف که بچه‌ها بهترین زبان‌آموزان هستند، در مطالعات بسیاری بررسی شده است؛ اما نتایجی که از این مطالعات به‌دست آمده، یکسان نبوده است. آن دسته از پژوهشگرانی که باور دارند زبان‌آموزان جوان‌تر نوعی برتری دارند (Logan 1974, Lenneberg 1967)، هنوز دربارهٔ طبیعت این «برتری» مطمئن نیستند. عوامل به‌وجودآورندهٔ این برتری خود دلیلی برای بحث میان پژوهشگران است.

مروری بر مطالعات انجام‌شده در زمینهٔ یادگیری زودهنگام زبان خارجی نشان می‌دهد که نگرش زبان‌آموزان و دیدگاه‌های آن‌ها را می‌توان به‌عنوان عامل‌هایی به‌شمار آورد که با تکیه بر آن‌ها می‌توان مسئلهٔ سن مناسب برای شروع آموزش زبان را به نتیجه رساند (Mihaljević Djigunović, 1995). دیدگاه و نگرش زبان‌آموزان جوان به‌عنوان یکی از تفاوت‌های فردی میان زبان‌آموزان تاکنون به‌اندازهٔ نیاز بررسی نشده است. یکی از دلایل این کمبود، ممکن است این نظریهٔ کهنه باشد که برخلاف افراد بالغ، کودکان تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند (Lopriore & Mihaljević Djigunović, 2011). دلیل دیگر نیز ممکن است، این باشد که ابزار مناسبی برای بررسی دیدگاه و نگرش زبان‌آموزان نابالغ وجود ندارد. ابزارهای موجود اغلب برای بزرگسالان طراحی شده‌اند و برای استخراج دادگان از بچه‌ها، نمی‌توان بدون ایجاد هیچ تغییری از آن‌ها استفاده کرد.

این مقاله، کوشیده است تا جنبه‌های نگرشی و هویتی آموزش زبان در کشور ایران را در قالب پروژه‌های پژوهشی بررسی کند. در واقع، در کشور ایران به دلیل اینکه میان متخصصان و دست‌اندرکاران آموزش زبان این اتفاق نظر وجود ندارد که شروع آموزش زبان باید در سن پایین‌تری باشد، هنوز هم آموزش زبان انگلیسی از سال اول راهنمایی آغاز می‌شود. در واقع، با وجود نارضایتی بیشتر والدین از دانش‌زبانی‌ای که فرزند آن‌ها در طول سال‌های آموزش رسمی زبان در ایران می‌آموزد و گرایش روزافزون به شرکت در کلاس‌ها و مؤسسات خصوصی زبان، دست‌اندرکاران به دلیل برخی ملاحظات، ترجیح داده‌اند که سن آموزش زبان را تغییر ندهند. به اعتقاد برخی متخصصان، پیش از اجرای این طرح، سؤالات مهمی باید پاسخ

داده شود. یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها، بحث‌های هویتی و طرح این پژوهش است که آیا اساساً آموزش زبان خارجی از دوران ابتدایی یا کودکی در هویت‌سازی کودک تأثیر منفی برجای می‌گذارد یا خیر؟ به دلیل اینکه استفاده از زبان انگلیسی اغلب به ازدست‌رفتن هویت فرهنگی زبان‌آموز نسبت داده می‌شود، نیاز است، پژوهش‌هایی درباره ارزش‌های فرهنگی و دیدگاه‌های زبان‌آموزان در ایران انجام شود تا بتواند به سیاست‌گذاران، دانش‌آموزان، معلمان، والدین و دیگر افراد دخیل در آموزش زبان انگلیسی کمک کند.

تجایی که نگارندگان این جستار می‌دانند، تاکنون هیچ مطالعه‌ای روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در ایران، برای بررسی آثار آموزش رسمی زبان انگلیسی بر آنان انجام نشده است. پژوهش حاضر می‌تواند در این زمینه پیشگام باشد و امیدوار است بتواند زوایایی کوچک از مسئله آموزش زبان دوم در ایران را روشن نماید.

۲. پیشینه پژوهش

بیشتر مطالعاتی که روی نگرش زبانی زبان‌آموزان کم‌سن و جوان تمرکز دارند، بر این نکته تأکید می‌کنند که این زبان‌آموزان اغلب نگرش والدین، معلمان، بزرگترها و در یک کلام کسانی را بروز می‌دهند که در زندگی این زبان‌آموزان نقش مؤثری بازی می‌کنند (Nikolov, 2002; Szpotowicz et al. 2009). ویکه^۱ (1979) در مطالعه خود دریافت که این تأثیر می‌تواند در جهت عکس، یعنی تأثیر زبان‌آموز بر والدین باشد. در پژوهشی که این پژوهشگر برای یافتن سن مطلوب آغاز آموزش زبان خارجی به زبان‌آموزان انجام داد، والدین بچه‌ها در ابتدای پژوهش، نگرشی منفی و یا خنثی درباره آموزش زبان به فرزند خود در سنین پایین داشتند؛ اما جالب است که نتایج این مطالعه نشان داد، نگرش والدین در انتهای مطالعه تغییر کرده و مثبت شده است؛ زیرا آن‌ها اشتیاق و علاقه فرزندانشان خود را برای یادگیری زبان خارجی مشاهده کرده بودند. به عقیده نیکولوف وقتی زبان‌آموزان جوان در معرض یادگیری زبان خارجی قرار می‌گیرند و این تجربه را به‌دست‌می‌آورند، قطعاً نگرش‌های زبانی منحصر به خود نیز در آن‌ها شکل می‌گیرد و معلمان در شکل‌گیری این نگرش‌ها و حفظ آن‌ها مهم‌ترین نقش را دارند (Nikolov, 2002).



در یک بررسی طولی دیگر که به پروژه زاگرب معروف شد و از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ م، طول کشید، گروهی از پژوهشگران، مسئولیت تصمیم‌گیری درباره این موضوع را عهده‌دار شدند که آیا پایه اول ابتدایی را در سیستم آموزش رسمی کشور کرواسی می‌توان بهترین زمان برای آموزش زبان خارجی در سطح ملی قلمداد کرد یا خیر. برای سنجش این موضوع دانش‌آموزان به دو گروه «آزمایشی» و «کنترل» تقسیم شدند. در گروه آزمایشی، آموزش زبان خارجی از پایه اول شروع می‌شد در صورتی‌که در گروه کنترل آموزش زبان از پایه چهارم آغاز می‌شد که در آن زمان پایه معمول آموزش زبان در آن کشور بود. تغییر و تکامل نگرش‌های زبانی زبان‌آموزان در طول سال‌های تحصیل در پایه‌های اول به بعد با ابزارهایی مانند مصاحبه و پرسش‌نامه به‌طور دقیق ارزیابی شد. نتایج این پروژه نشان داد که نگرش اولیه‌ای که زبان‌آموزان جوان نسبت به یادگیری زبان‌های خارجی داشتند، به‌شدت مثبت بود. تقریباً همه زبان‌آموزان از یادگیری زبان خارجی ابراز علاقه و خوشحالی کردند. وقتی زبان‌آموزان، پایه سوم را به پایان رساندند، هنوز هم نگرش کلی آن‌ها مثبت بود؛ اما نگرش مثبتی که در ابتدای پایه اول (آغاز پژوهش) نسبت به فرهنگ دوم و گویشوران آن از خود نشان داده بودند، در انتهای پایه سوم تغییر کرده بود. با پایان مقطع ابتدایی، تمایل به یادگیری زبان خارجی به دلیل ابزاری بسیار چشمگیر شده بود، درحالی‌که «تمایل به یکی‌شدن» به کمترین میزان خود رسیده بود (Djigunovic & Vilke, 2002).

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. آیا تفاوتی معنادار میان نگرش زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله ایرانی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی در آغاز و پایان پژوهش وجود دارد؟ (آیا نگرش زبان‌آموزان پس از پژوهش دستخوش تغییری معنادار می‌شود؟) اگر پاسخ مثبت است، در کدام گروه سنی این تغییرات چشمگیرتر است؟
۲. آیا تفاوتی معنادار میان نگرش زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله ایرانی نسبت به فرهنگ انگلیسی و انگلیسی‌زبان‌ها در آغاز و پایان پژوهش وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، در کدام گروه سنی این تغییرات چشمگیرتر است؟

۳. آیا تفاوتی معنادار میان نگرش زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله ایرانی نسبت به هویت ملی خود در آغاز و پایان پژوهش وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، در کدام گروه سنی این تغییرات چشمگیرتر است؟

۳-۲. جامعه آماری

شرکت کنندگان در بررسی حاضر، دانش‌آموزان دختر دو گروه سنی هشت و یازده‌سال در مدارس دولتی شهرستان بروجرد، استان لرستان تحصیل می‌کردند (مدرسه مالک‌اشتر و الله‌اکبر). کوشش نگارندگان بر این بوده است تا تأثیر متغیرهای دیگر را، به جز سن، روی نگرش زبان‌آموزان به کمترین اندازه برسانند. به همین منظور تنها از دانش‌آموزان دختر برای شرکت در پژوهش استفاده شد؛ همچنین برای خنثی کردن تأثیر جنسیت زبان‌آموزان، معلم زبان در تمامی کلاس‌ها یکسان بود و باتوجه به اینکه سطح زبانی همه دانش‌آموزان مبتدی بود و هیچ‌کدام پیش از انجام این پژوهش تجربه حضور در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی را نداشتند، از مواد درسی یکسان برای آموزش زبان به این زبان‌آموزان استفاده شد. برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش، چهار گروه هشت‌ساله (۱۲۱ تن) و چهار گروه یازده‌ساله (۱۱۸ تن) برگزیده شدند.

۳-۳. ابزارهای اندازه‌گیری

اگرچه زبان‌آموزان جوان سرچشمه‌ای ارزشمند برای پژوهش درباره یادگیری زود هنگام زبان خارجی به‌شمار می‌روند، پژوهش درباره نگرش این زبان‌آموزان و به‌طور کلی متغیرهای روانی-عاطفی آن‌ها کار بسیار پیچیده‌ای است. بچه‌ها اغلب در بیان نگرش و احساس خود مشکل دارند و آن را سخت می‌پندارند؛ بنابراین بسیار مهم است که ابزارهای مناسبی برای سنجش دیدگاه زبان‌آموزان جوان به‌کار رود. نکته مهم دیگر، استفاده از چند ابزار برای بررسی یک مسئله درباره زبان‌آموزان جوان^۷ است. براین اساس، ابزار استخراج دادگان در این مطالعه پرسش‌نامه و مصاحبه بود. در بررسی حاضر، مجموعه آزمون‌های نگرش و انگیزه به‌کار رفت که به‌دست‌گاردنر و لمبرت در ۱۹۷۲م طراحی شد. دلیل انتخاب این پرسش‌نامه از میان پرسش‌نامه‌های موجود برای سنجش نگرش زبان‌آموزان اول، به دو دلیل بود: نخست، شناخته‌شده‌تر بودن آن



و دوم اینکه این پرسش‌نامه در کشورهای زیادی و بر زبان‌های متعددی به‌کاررفته‌است (Bernaus & Gardner 2000; MacIntyre et al., 2002). البته این نکته را نباید فراموش کرد که شناخته‌شده‌بودن یک ابزار لزوماً به‌معنای اعتبار آن در همه‌جا نیست و با توجه به اینکه بافت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشوری از کشور دیگر متمایز است، بنابراین در پژوهش حاضر کوشش شد تا در آغاز با تحلیل عاملی و سپس استفاده در آزمون پایلت نسبت به روایی و پایایی پرسش‌نامه و در نتیجه، مناسب‌بودن آن در کشور ایران اطمینان حاصل شود.

نسخه اصلی این آزمون‌ها (آزمون‌های نگرش و انگیزه) از دو مجموعه پرسش تشکیل شده است که متغیرهای انگیزه و نگرش مرتبط با یادگیری زبان خارجی را اندازه‌گیری می‌کنند. نگارندگان، پرسش‌نامه را به فارسی ترجمه کردند و پرسش‌نامه فارسی در چند مرحله به‌دست متخصصان آشنا به زبان‌های فارسی و انگلیسی اصلاح شد. پرسش‌نامه فارسی نهایی شامل ۵۱ پرسش بود که دانش‌آموزان به پرسش‌های آن براساس مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای پاسخ دادند که هم با عدد و هم با تصویر^۱ مشخص شده بود (۱=کاملاً موافقم 😊 تا ۵=کاملاً مخالفم 😡). پیش از مرحله اصلی بررسی و به‌منظور دستیابی به اطمینان از پایایی و روایی پرسش‌نامه، در آزمون پایلت پرسش‌نامه فارسی با ۱۴۳ دانش‌آموز ابتدایی آزموده شد که این دانش‌آموزان کاملاً مشابه شرکت‌کنندگان در بررسی بودند؛ اما در مرحله اصلی شرکت نمی‌کردند. نتایج به‌دست آمده با روش عاملی تحلیل شد و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ، ۸۴ درصد برآورد شد. نتایج تحلیل عاملی، به‌صورت اختصار نشان داد که ۷ عامل در پرسش‌نامه به‌کاررفته در این مطالعه، قابل شناسایی است. توضیحات کامل پرسش‌نامه پس از تحلیل عاملی، عامل‌های استخراج‌شده و پرسش‌های آن در جدول ۱ قابل مشاهده است:

جدول ۱. پرسشنامه انگیزه و نگرش به کاررفته در بررسی حاضر

Table 1: The AMTB Used in the Study With its Items and Categories

نام دسته‌بندی	شماره پرسش‌ها در پرسش‌نامه
۱. نگرش زبان‌آموز نسبت به یادگیری زبان‌های خارجی و انگلیسی ^۹	38, 15, 12, 44, 35, 1, 41, 4, 29, 33, 26, 7, 20, 18, 39, 5, 30, 9, 22, ۱۰
۲. نگرش زبان‌آموز نسبت به فرهنگ انگلیسی و انگلیسی‌زبان‌ها ^{۱۰}	۱۹, 34, 24, 42, 13 و ۴۶
۳. تمایل به یکی شدن ^{۱۱}	6, 14, 25
۴. گرایش‌ات ابزاری ^{۱۲}	36, 28, 16, 8
۵. اضطراب کلاسی ^{۱۳}	3, 17, 32, 37, 43
۶. میزان تشویق والدین ^{۱۴}	45, 40, 31, 27, 23, 21, 11, 2
۷. نگرش زبان‌آموز نسبت به هویت ملی خود ^{۱۵}	47, 48, 49, 50, 51

ابزار دیگری که برای استخراج دادگان درباره نگرش زبان‌آموزان نسبت به زبان و فرهنگ انگلیسی به کاررفت، مصاحبه ساخت‌یافته‌ای^{۱۶} بود که دیگنونویچ در ۱۹۹۳م، در بررسی خود درباره نگرش زبان‌آموزان جوان نسبت به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه در پروژه موسوم به پروژه زاگرب آن را به‌کاربرد (Mihaljević Djigunović, 1995; 1993). مصاحبه نوزده پرسش دارد که موضوعات زیر را دربرمی‌گیرد: نگرش نسبت به زبان خارجی و مادری و گویشوران این زبان‌ها؛ نگرش نسبت به فرهنگ مادری و انگلیسی و هویت ملی زبان‌آموز؛ هدف از یادگیری زبان خارجی؛ بهترین سن یادگیری برای آن. از هر گروه سنی صد دانش‌آموز به صورت تصادفی برای مصاحبه انتخاب شدند و دو مصاحبه انجام گرفت. یکی در هفته پنجم دوره آموزشی و دیگری در پایان پژوهش. تمامی مصاحبه‌ها ضبط، و به دست نگارندگان با دقت ارزیابی شدند. به علت حجم بالای دادگان مصاحبه، در این مقاله به صورت کوتاه به نتایج اشاره می‌شود که به درک بهتر نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه کمک خواهد کرد.

۳-۴. روش اجرای پژوهش

در این پژوهش، ابتدا دانش زبانی دانش‌آموزان با انجام پیش‌آزمون سنجیده شد و جالب



آنجاست که تقریباً هیچ‌کدام از دانش‌آموزان حتی با الفبای انگلیسی آشنا نبودند. دوره آموزشی از مهرماه ۱۳۹۱ شمسی آغاز شد و تا شهریور ۱۳۹۲ ادامه داشت. دانش‌آموزان دو جلسه در هفته به مدت پنجاه دقیقه آموزش زبان می‌دیدند و معلم و مواد درسی برای تمامی کلاس‌های هردو گروه سنی یکسان بود. تمامی کلاس‌ها برای تحلیل دقیق‌تر ضبط می‌شد. از شرکت‌کنندگان در پژوهش اصلی خواسته شد، یکبار در آغاز دوره آموزشی آزمایشی (هفته پنجم) و بار دیگر در انتهای آن، پرسش‌نامه را پر کنند و در مصاحبه شرکت کنند. در هنگام توزیع پرسش‌نامه‌ها، پژوهشگران برای ارائه توضیحات و رفع ابهامات احتمالی حاضر بودند. شایان ذکر است که افزون‌بر دانش‌آموزانی که گروه‌های «آزمایشی» این بررسی را تشکیل می‌دادند، شمار مشابهی از دانش‌آموزان پایه اول و ششم نیز به‌عنوان گروه «کنترل» در این بررسی نقش داشتند.

۵. یافته‌های پژوهش

داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه، با استفاده از فنون آمار توصیفی و استنباطی شامل میانگین، انحراف‌معیار و آزمون تی همبسته^{۱۷} تحلیل شده‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد پرسش نخست این مطالعه به بررسی دیدگاه زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله نسبت به (یادگیری) زبان انگلیسی پرداخته‌است. به‌منظور پاسخ به این پرسش عملکرد زبان‌آموزان در پرسش‌های مرتبط در پرسش‌نامه تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۲. عملکرد زبان آموزان هشت‌ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به زبان انگلیسی

Table 2. 8-year Olds Performance on Modified AMTB in Relation to Their Attitudes Towards FLE Before and After the Study

	Mean	N	Std. Deviation
نگرش (انگلیسی) ۱-۸	-.43	20	30.08
نگرش (انگلیسی) ۲-۸	3.04	20	56.44

جدول ۳. مقایسه میان زبان آموزان هشت‌ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به زبان انگلیسی

Table 3. Comparison Between 8 Year olds Before and After the Study in Relation to Their Attitudes Towards FLL

Paired Samples Test								
	Paired Differences					T	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 FLL81 – FLL82	-3.47	80.731	11.903	-27.452	20.496	-.29	45	.771

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهند که میانگین پاسخی که زبان آموزان هشت‌ساله به پرسش‌های مربوط به این عامل داده‌اند، پس از پایان پژوهش نسبت به آغاز آن تغییر کرده است (۳/۰۴ در مقابل ۰/۴۳-); اما نتایج آزمون تی همبسته نشان می‌دهد که این تغییر از نظر آماری ناچیز، و قابل چشم‌پوشی است؛ زیرا ارزش پی^{۱۸} از ۰/۰۵ بیشتر است ($p=.77>.05$). برای زبان آموزان یازده‌ساله نیز نتیجه مشابهی به دست آمد:



جدول ۴. عملکرد زبان آموزان یازده ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به زبان انگلیسی
Table 4. 11 Year Olds Performance On Modified AMTB in Relation to Their Attitudes Towards FLE Before and After the Study

	Mean	N	Std. Deviation
نگرش (انگلیسی) ۱-۱۱	1.85	20	32.95
نگرش (انگلیسی) ۲-۱۱	7.39	20	33.66

جدول ۵. مقایسه میان زبان آموزان یازده ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به زبان انگلیسی

Table 5. Comparison Between 11 Year Olds Before and After the Study in Relation to Their Attitudes Towards FLL

Paired Samples Test								
	Paired Differences					T	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 FLL11A - FLL11B	-5.54	29.299	4.320	-14.244	3.157	-1.28	45	.206

همان‌طور که در جدول ۴ دیده می‌شود، در این گروه سنی نیز میانگین پاسخ به پرسش‌های مربوطه در انتهای پژوهش با آغاز آن متفاوت است (۷/۳۹ در مقابل ۱/۸۵)؛ اما نتایج آزمون تی همبسته نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در این گروه سنی نیز قابل چشم‌پوشی است ($p=0.26 > 0.05$). روی هم رفته، می‌توان نتیجه گرفت که در طول انجام این پژوهش تغییری در نگرش زبان آموزان نسبت به زبان انگلیسی و یادگیری آن در هیچ‌کدام از گروه‌های سنی به وجود نیامده است؛ بنابراین پاسخ پرسش نخست پژوهش منفی است.

پرسش دوم این بررسی درباره نگرش زبان آموزان هشت و یازده ساله نسبت به انگلیسی‌زبان‌ها و در نتیجه، فرهنگ انگلیسی مطرح شده است. با رجوع به جدول‌های زیر مشخص می‌شود که دانش آموزان چگونه به پرسش‌های مربوط به این عامل در آغاز و پایان پژوهش جواب داده‌اند:

جدول ۶. عملکرد زبان‌آموزان هشت‌ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به انگلیسی‌زبان‌ها و فرهنگ انگلیسی

Table 6. 8- Year- Olds Performance on AMTB in Relation to Their Attitudes Towards English Culture and English Speakers Before and After the Study

	Mean	N	Std. Deviation
نگرش (فرهنگ) ۱-۸	10.87	6	32.604
نگرش (فرهنگ) ۲-۸	4.65	6	14.158

جدول ۷. مقایسه میان زبان‌آموزان هشت‌ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به انگلیسی‌زبان‌ها

Table 7. Comparison Between 8 Year Olds Before and After the Study in Relation to Their Attitudes towards English Speaking People and Their culture

Paired Samples Test									
		Paired Differences				t	df	Sig. (2-tailed)	
		Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
					Lower				Upper
Pair 1	AES8A-AES8B	6.217	21.979	3.241	-3.09	12.744	1.91945	.061	

میانگین بالاتر پاسخ زبان‌آموزان به پرسش‌های مربوط به این عامل در آغاز بررسی، در مقایسه با پایان پژوهش (جدول ۶) ممکن است این‌گونه تداعی کند که نگرش زبان‌آموزان هشت‌ساله در طول بررسی دچار تغییر شده است (۱۰/۸۷ در مقابل ۴/۶۵)؛ اما رجوع به جدول ۷ نشان می‌دهد که تغییر مشاهده‌شده، باری دیگر ارزش آماری ندارد و قابل چشم‌پوشی است ($p=0.06 > 0.05$). درواقع، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نگرش زبان‌آموزان هشت‌ساله نسبت به فرهنگ انگلیسی نیز دچار تغییر چشمگیری نمی‌شود؛ اما درباره زبان‌آموزان یازده‌ساله تصویر به‌دست‌آمده کاملاً متفاوت است:



جدول ۸. عملکرد زبان آموزان یازده ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به انگلیسی زبان‌ها و فرهنگ انگلیسی

Table 8. 11- year- olds performance on AMTB in relation to their attitude towards English culture and English speakers before and after the study

	Mean	N	Std. Deviation
نگرش (فرهنگ) ۱-۱۱	-7.07	6	18.736
نگرش (فرهنگ) ۲-۱۱	10.54	6	28.160

جدول ۹. مقایسه میان زبان آموزان یازده ساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به انگلیسی زبان‌ها و فرهنگ آن‌ها

Table 9. Comparison Between 11 Year Olds Before and After the Study in Relation to Their attitudes Towards English Speaking People and Their culture

Paired Samples Test									
	Paired Differences	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference		T	df	Sig. (2-tailed)
					Lower	Upper			
					Pair 1	AES11A- AES11B			

برای این گروه سنی، جدول ۸ نشان می‌دهد که در ابتدای پژوهش نگرشی منفی نسبت به فرهنگ انگلیسی و انگلیسی زبان‌ها وجود داشته است؛ اما این نگرش به ظاهر تغییر کرده و کاملاً مثبت شده است؛ به گونه‌ای که زبان آموزان یازده ساله در انتهای پژوهش نگرشی متفاوت از خود نشان داده و آن را در پاسخ‌هایی که به پرسش‌های مربوط به این عامل داده‌اند، متبلور کرده‌اند (۷/۰۷- در مقابل ۱۰/۵۴). جدول ۹ نشان می‌دهد که تغییر ایجاد شده از نظر آماری نیز چشمگیر و قابل توجه است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش زبان آموزان هشت ساله نسبت به فرهنگ انگلیسی در طول تحقیق بدون تغییر مانده است؛ حال آنکه زبان آموزان یازده ساله نگرشی مثبت نسبت به فرهنگ انگلیسی پیدا کرده‌اند که از نظر آماری تغییر در نگرش آن‌ها کاملاً

قابل توجه است. برای اینکه بتوان از تأثیر آموزش زبان بر پیدایش این تغییرات مطمئن شد، نتایج به دست آمده، با پرسشنامه‌های گردآوری شده از گروه کنترل مقایسه شدند. ذکر جزئیات مراحل آماری انجام شده، در این مقاله ضروری به نظر نمی‌رسد؛ فقط به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که در پژوهش‌های انجام شده از تأثیر آموزش زبان انگلیسی بر تغییر در نگرش زبان‌آموزان اطمینان حاصل شد.

این یافته‌ها با آنچه از مصاحبه‌ها به دست آمد، کاملاً هماهنگ است. برای نمونه، در یکی از پرسش‌های مصاحبه که هدف از آن مقایسه نگرش زبان‌آموز نسبت به فرهنگ ایرانی و انگلیسی بود، از زبان‌آموزان پرسیده شد، کدامیک را ترجیح می‌دهند: برای نمونه، سفره هفت‌سین در فرهنگ ایرانی یا تزئین درخت کریسمس در فرهنگ انگلیسی؟ پاسخی که زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله در آغاز و پایان این بررسی به این پرسش (و نمونه‌هایی از این دست) دادند به شرح زیر است:

جدول ۱۰. مقایسه پاسخ زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله به پرسش‌های مربوط به ارزیابی نگرش نسبت به فرهنگ انگلیسی در مصاحبه

Table 10. Comparison Between Participants in Both Age Groups in Relation to Their Answers to Interview Questions About Their Attitudes Towards English and Persian Cultures

نظری ندارم	هر دو	انگلیسی	ایرانی	۱۱ ساله ها	نظری ندارم	هر دو	انگلیسی	ایرانی	۸ ساله ها
۲۱٪	۱۶٪	۱۱٪	۵۲٪	ابتدای پژوهش	۱۷٪	۲۸٪	۳۲٪	۲۳٪	ابتدای پژوهش
۱۷٪	۲۶٪	۲۸٪	۲۹٪	انتهای پژوهش	۱۸٪	۲۴٪	۳۱٪	۲۷٪	انتهای پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۱۰ مشخص است، نگرشی که زبان‌آموزان هشت‌ساله نسبت به فرهنگ ایرانی و انگلیسی در انتهای پژوهش بیان کرده‌اند، تقریباً شبیه به نگرش آن‌ها در آغاز پژوهش است؛ حال آنکه درباره زبان‌آموزان یازده‌ساله در آغاز پژوهش تمایل شدید و قوی



نسبت به فرهنگ ایرانی به چشم می‌خورد؛ اما در انتهای پژوهش این کشش کاهش پیدا کرده و در عوض تمایل به فرهنگ انگلیسی قوی‌تر شده است. یافته‌های مصاحبه با آنچه از پرسش‌نامه به دست آمده، هماهنگ است.

در پرسش آخر پژوهش، تمرکز روی نگرش زبان‌آموزان نسبت به هویت ملی خود بوده است. آنچه در ذیل می‌آید نتیجه تحلیل آماری مربوط به پرسش آخر پژوهش است:

جدول ۱۱. عملکرد زبان‌آموزان هشت‌ساله در آغاز و پایان بررسی در ارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به هویت ملی‌شان
Table 11. 8- Year- Olds Performance on Persian Attitude Questionnaire in Relation to Their Attitude Towards Their National Identity

	Mean	N	Std. Deviation
نگرش (هویت) ۱-۸	62.88	۰	65.107
نگرش (هویت) ۲-۸	63.13	۰	42.090

جدول ۱۲. مقایسه میان زبان‌آموزان هشت‌ساله در آغاز و پایان بررسی در ارتباط با دیدگاه آن‌ها هویت ملی‌شان
Table 12. Comparison Between 8 Year Olds Before and After the Study in Relation to Their Attitudes Towards Their National Identity

Paired Samples Test								
	Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair ANI8A-1 ANI8B	-.25	66.885	23.648	-56.168	55.668	-.011	7	.992

با رجوع به جداول بالا می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت چشمگیری در نگرش زبان‌آموزان هشت‌ساله نسبت به هویت‌شان به وجود نیامده است و ارزش پی از ۰/۰۵ بیشتر است ($p=.99>.05$). درباره زبان‌آموزان یازده‌ساله، بار دیگر تصویر به دست آمده متفاوت است:

جدول ۱۳. عملکرد زبان آموزان یازدهساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها هویت ملی‌شان

Table 13. 11- Year- Olds Performance on Persian Attitude Questionnaire in Relation to Their attitude Towards their National Identity

	Mean	N	Std. Deviation
نگرش (هویت) ۱۱-۱	64.88	5	31.778
نگرش (هویت) ۱۱-۲	2.38	5	44.310

جدول ۱۴. مقایسه میان زبان آموزان یازدهساله در آغاز و پایان بررسی درارتباط با دیدگاه آن‌ها نسبت به هویت ملی خود

Table 14. Comparison Between 11 Year Olds Before and After the study in Relation to Their Attitudes Towards Their National Identity

Paired Samples Test									
Pair	ANOVA	Paired Differences				t	df	Sig. (2-tailed)	
		Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
					Lower				Upper
1	ANI11A-ANI11B	62.500	58.160	20.563	13.877	111.123	3.039	.019	

جداول بالا نشان می‌دهند که این گروه سنی در آغاز پژوهش نگرش مثبت بسیار قوی و محکمی نسبت به هویت ملی‌شان از خود نشان داده‌اند؛ اما این احساس مثبت در پایان پژوهش به صورت چشمگیری کم‌رنگ و ناچیز شده است (میانگین ۶۴/۸۸ در مقابل ۲/۳۸). تغییر به وجود آمده از نظر آماری نیز قابل توجه است ($p=0.01 < .05$). به نظر می‌رسد که در این گروه سنی عاملی باعث تغییر در نگرش زبان آموزان نسبت به هویت ملی‌شان شده است. این عامل ممکن است آموزش زبان انگلیسی و قرارگرفتن در معرض آن باشد. برای حصول اطمینان می‌بایست الگوی تغییرات در نگرش زبان آموزان گروه کنترل، با گروه آزمایشی مقایسه می‌شدند. نتایج مقایسه، تأثیر آموزش زبان بر تغییر نگرش را در گروه سنی یازدهسال اثبات کرد؛ زیرا در گروه کنترل چنین تغییراتی دیده نشد. بار دیگر نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه، با نتایج مصاحبه‌های انجام گرفته و پرسش‌های مرتبط با هویت ملی زبان آموزان مقایسه شد. برای نمونه در یکی از پرسش‌های مصاحبه از زبان آموزان پرسیده شد: از اینکه ایرانی هستی خوشحال (راضی) هستی؟



جدول ۱۵ مقایسه پاسخ زبان‌آموزان هشت و یازده‌ساله به پرسش‌های مربوط به ارزیابی نگرش نسبت به فرهنگ انگلیسی در مصاحبه

Table 15. Comparison Between Participants in Both Age Groups in Relation to Their Answers to Interview Questions About English and Persian cultures

نظری ندارم	خیر	بله	۱۱ ساله ها	نظری ندارم	خیر	بله	۸ ساله ها
۱۷٪	۱۷٪	۶۶٪	ابتدای تحقیق	۴۲٪	۲۱٪	۳۷٪	ابتدای تحقیق
۱۹٪	۵۲٪	۲۹٪	انتهای تحقیق	۳۸٪	۲۸٪	۳۴٪	انتهای تحقیق

نتیجه جالب به دست آمده این است که پاسخی که زبان‌آموزان هشت‌ساله در پایان پژوهش به این پرسش داده‌اند، با آغاز بررسی تفاوت فاحشی ندارد؛ درحالی‌که درباره زبان‌آموزان یازده‌ساله اوضاع به گونه‌ای دیگر است. نکته جالب دیگر، درصد بالای جواب‌هایی مانند «نمی‌دانم» و «نظری ندارم» در پاسخ زبان‌آموزان هشت‌ساله به این پرسش است. شاید به دلیل سن پایین این زبان‌آموزان و عدم بلوغ فکری کافی، شنیدن پاسخ‌هایی از این دست از این زبان‌آموزان چندان عجیب به نظر نیاید.

در مجموع، نتایج این بررسی (پرسش‌نامه و مصاحبه) نشان داد که نگرش زبان‌آموزان هشت‌ساله نسبت به زبان و فرهنگ انگلیسی و هویت ملی‌شان در طول یک سال آموزش رسمی زبان انگلیسی دستخوش تغییر چشمگیری نمی‌شود؛ حال آنکه زبان‌آموزان یازده‌ساله در پایان دوره آموزشی نگرشی متفاوت نسبت به فرهنگ انگلیسی و هویت ملی خود در مقایسه با آغاز آموزش زبان پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد که یک‌سال آموزش زبان انگلیسی منجر به پیدایش نگرشی مثبت در این زبان‌آموزان نسبت به فرهنگ انگلیسی شده (جداول ۸-۹-۱۰) و از سوی دیگر، نگرش مثبت این دانش‌آموزان را نسبت به هویت ملی خود به شدت کاهش داده است (۱۳-۱۴-۱۵).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در طول سالیان گذشته، معلمان پیشرو و متخصصان به دنبال راه‌هایی برای افزایش مهارت زبان انگلیسی دانش‌آموزان در کشور ایران بوده‌اند. در واقع، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که سیستم آموزش زبان انگلیسی در کشور ما آن‌طور که باید کارآمد نبوده است؛ زیرا پس از دو سال آموزش زبان در دوران راهنمایی و چهارسال دوران متوسطه و پیش‌دانشگاهی، دانش‌آموزان تنها با فرم زبان آشنا می‌شوند و اغلب قادر به برقراری ارتباط به انگلیسی نیستند. با توجه به اهمیت زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی، از چند سال گذشته بحث تغییر در سیستم آموزشی کشور به‌منظور ارتقای سطح دانش زبانی دانش‌آموزان ایرانی در محافل آموزشی مطرح شد. در این‌میان، موضوعی که بیش‌ازهمه کارشناسان درباره آن تبادل نظر کرده‌اند، شروع آموزش زبان از دوران ابتدایی با الگوبرداری از کشورهای است که اقدام به تغییر در سیستم آموزشی خود نموده‌اند (مانند چین، ژاپن، سنگاپور)؛ اما پیامدهای اتخاذ چنین سیاستی کاملاً نامعلوم است و نیاز به انجام پژوهش‌های وسیع و جامع دارد. یکی از عوارضی که پایین‌آوردن سن آموزش زبان خارجی ممکن است برجای‌بگذارد، تأثیراتی هویتی و نگرشی در پیش‌گرفتن چنین رویکردی است. در واقع، پیش از هرگونه تصمیم‌گیری جدی در این راستا، لازم است که تأثیرات آموزش زبان خارجی به دانش‌آموزان ابتدایی بر روی نگرش و دیدگاه آن‌ها نسبت به فرهنگ و هویت ملی خود سنجیده شود؛ زیرا زبان، فرهنگ و هویت عناصری درهم‌تنیده‌اند و زبان و فرهنگی که دانش‌آموز در معرض آن قرار می‌گیرد به‌صورت مستقیم با شکل‌گیری هویت او در ارتباط است. در این بررسی، کوشش شد تا بخشی از مسئله آموزش زبان به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در سیستم آموزشی کشور ایران با نگاه به مسئله هویتی و نگرشی زبان‌آموزان روشن شود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش را دانش‌آموزان هشت و یازده‌ساله تشکیل داده بودند و ابزاری که برای سنجش دیدگاه زبان‌آموزان استفاده شد، مجموعه تست‌های نگرش و انگیزه طراحی‌شده به‌دست گاردنر و لمبرت (1972) و همچنین مصاحبه ساخت‌یافته‌ای بود که میخائیلویچ دیگونویچ در سال ۱۹۹۳ در مطالعه خود درباره نگرش زبان‌آموزان جوان نسبت به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه در پروژه موسوم به زاگرب از آن استفاده کرد (Mihaljević Djigunović, 1993; 1995). هدف نگارندگان، مقایسه دیدگاه زبان‌آموزان در آغاز و پایان بررسی بود تا دریابند، آیا نگرش این زبان‌آموزان در طول



بررسی دستخوش تغییر خاصی می‌شود یا خیر و اینکه می‌توان سن زبان‌آموزان را عاملی تعیین‌کننده قلمداد کرد؟

نتایج این پژوهش نشان داد که نگرش زبان‌آموزان هشت‌ساله نسبت به زبان و فرهنگ انگلیسی و هویت ملی‌شان در طول یک‌سال آموزش رسمی زبان انگلیسی تغییر خاصی نمی‌کند؛ درحالی‌که زبان‌آموزان یازده‌ساله در پایان دوره آموزشی نگرش متفاوتی نسبت به فرهنگ انگلیسی و هویت ملی خود در مقایسه با آغاز آموزش زبان پیدا می‌کنند. این‌گونه به نظر می‌رسد که یک‌سال آموزش زبان انگلیسی منجر به پیدایش نگرشی مثبت در این زبان‌آموزان نسبت به فرهنگ انگلیسی شده (جدول ۱۰-۹-۸) و ازسوی دیگر نگرش مثبت این دانش‌آموزان نسبت به هویت ملی خود را به‌صورت محسوسی کاهش داده است (۱۵-۱۴-۱۳).

گرچه با توجه به حجم پایین نمونه آماری و مدت‌زمان کوتاه انجام پژوهش، نمی‌توان نتایج به‌دست‌آمده را تعمیم داد؛ نتایج این پژوهش بر اهمیت مطالعه تأثیر آموزش زبان خارجی بر نگرش زبان‌آموزان نسبت به فرهنگ و زبان خارجی و همچنین ابعاد هویتی آموزش زبان صحه می‌گذارد. نتیجه جالبی که از این پژوهش به‌دست‌آمد، این است که برخلاف انتظار نگرش دانش‌آموزان «جوان‌تر» در طول این پژوهش تغییر چشمگیری نکرد؛ حال آنکه تغییرات به‌وجودآمده در نگرش زبان‌آموزان یازده‌ساله چشمگیر و قابل‌توجه بود. شاید بتوان نتایج به‌دست‌آمده را با توجه به سن خاص دانش‌آموزان یازده‌ساله توجیه کرد؛ زیرا از نظر روان‌شناختی، سنین یازده تا چهارده‌سال را می‌توان آغاز تغییرات شگرف و مهمی در تکامل افراد قلمداد کرد که درک آن‌ها از هویت خود شکل می‌گیرد (Eccles, 1999). در طول این سال‌ها بچه‌ها گام‌های بلندی به‌سوی بزرگسالی برمی‌دارند و برای ورود به دوران راهنمایی و دبیرستان آماده می‌شوند. تغییرات زیستی و ادراکی به‌وجودآمده در این دوران باعث دگرگونی‌هایی در ذهنیت بچه‌ها می‌شود و تمایل آن‌ها به استقلال، خودمحموری و فاصله‌گرفتن از خانواده را شکل می‌دهد. به‌همین دلیل، روابط اجتماعی بچه‌ها در این سنین تغییر می‌کند و آن‌ها خواستار تعریف‌شدن در قالبی فراتر از خانواده و کنترل‌های والدین هستند. تمایل نو جوانان به استقلال و خودمحموری، آن‌ها را به سمت «متفاوت‌شدن» سوق می‌دهد؛ زیرا این کار را ابزاری برای مطرح‌کردن خود و نشان‌دادن بزرگ‌شدنشان می‌پندارند. به‌همین دلیل، آنان زبان انگلیسی را دارای «پرستیژ بالاتر» و «قدرت بیشتر» قلمداد می‌کنند و نگرشی مثبت نسبت به آن نشان می‌دهند؛ گویا این دانش‌آموزان در

مصاحبه‌ها بارها علاقه خود به الگوها و لباس‌های غربی، موزیک غربی، غذاهای غربی و جز این‌ها را بیان می‌کردند. افزون‌براین، به دلیل سن بالاتر این دانش‌آموزان و دیدی که نسبت به آینده دارند، آن‌ها یادگیری زبان انگلیسی را برای ورود به دانشگاه و پیدا کردن شغل مناسب ضروری می‌پندارند و این امر بر نگرش آن‌ها تأثیرگذار است.

با این حال، نگرش دانش‌آموزان هشت‌ساله هنوز متأثر از نگرش والدینشان است. به دلیل ریشه‌های مذهبی قوی‌ای که والدین این دانش‌آموزان دارند، نگرش آن‌ها نسبت به فرهنگ و هویت ایرانی مثبت است و این نگرش مثبت را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند. از سوی دیگر، به دلیل سن پایین این دانش‌آموزان، مسئله ورود به دانشگاه و بازار کار آن‌قدر برایشان دور از ذهن است که اغلب بدان فکر نمی‌کنند. به همین دلیل، انگیزه‌های «ابزاری» نیز باعث نمی‌شود که نگرشی مثبت نسبت به زبان انگلیسی بیابند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان داد که سن آغاز یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نگرش زبان‌آموزان نسبت به فرهنگ انگلیسی و هویت ملی خود و تغییر در آن‌ها باشد. بیش‌ازهرچیز، نباید فراموش کرد که زبان‌آموزان جوان نیز مانند بزرگسالان نگرش و دیدگاه مختص به خود را دارند و در میان زبان‌آموزان کم‌سن‌وسال نیز درست مانند بزرگسالان تفاوت‌های فردی زیادی به چشم می‌خورد؛ بنابراین، مطالعه درباره این تفاوت‌های فردی در میان بچه‌ها و زبان‌آموزان کم‌سن‌وسال نیز اهمیت دارد. پس پیش از هرگونه تصمیم‌گیری درباره تغییر در سیستم آموزش زبان کشور، به جنبه‌های هویتی و نگرشی معرفی زبان و در نتیجه، به فرهنگ خارجی باید به دقت توجه شود.

اگرچه تنها با تکیه بر نتایج مطالعاتی مانند پژوهش حاضر و مطالعاتی از این دست نمی‌توان نتیجه‌گیری‌هایی کلی انجام داد و با علم بر اینکه پروژه‌هایی عظیم برای تحول در سیستم آموزشی یک کشور مورد نیاز است، به نظر می‌رسد لازم است دست‌اندرکاران نظام آموزشی ایران با توجه به اوضاع امروز جامعه جهانی و ضرورت توانایی برقراری ارتباط مؤثر افراد با جامعه بین‌المللی، برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی و به‌ویژه مسئله آموزش این زبان را در دوره ابتدایی با وسعت نظر بیشتری در نظر بگیرند. انجام پژوهش مشابه با مطالعه حاضر با رویکردی طولی^{۱۶} و با استفاده از جامعه آماری وسیع‌تر، می‌تواند جنبه‌های هویتی و نگرشی کاهش سن آموزش زبان در کشور را برای متولیان آن روشن نموده و پاسخی برای نگرانی‌ها، ملاحظات و پرسش‌های آن‌ها

فراهم آورد و بدین‌سان در تصمیم‌گیری صحیح در این امر به آن‌ها یاری رساند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. attitude motivation testing battery, AMTB
2. Lambert
3. Gardner
4. factor analysis
5. Mihaljević Djigunović
6. Vilke
7. triangulation
8. smiley questionnaires
9. attitude towards learning foreign languages and English, (AFLE)
10. attitudes towards English culture & English speaking people, (AECES)
11. integrative orientation, INTO
12. instrumental orientation, NSTO
13. English class anxiety, ECA
14. parental encouragement, PE
15. attitudes toward national identity, ANI
16. structured Interview
17. paired sample t-test
18. P- value
19. longitudinal research

References:

- Bernaus, M. & R.C. Gardner (2000). "Teacher Motivation Strategies, Student Perceptions, Student Motivation, and English Achievement". *The Modern Language Journal*. 92. pp. 387-401.
- Eccles, J.S. (1999). "The development of children ages 6-14". *The Future of Children*. Vol. 9 (2). pp. 30-44.
- Gardner, R.C. & W. Lambert (1972). *Attitudes and Motivation in Second Language Learning*. Rowley, Ma: Newbury House.
- Lenneberg, E.H. (1967). *Biological Foundation of Language*. NewYork, N Y: John Wiley.
- Logan, S.J. (1974). "Cross-Language Evidence for Three Factors in Speech

- Perception". *Perception and Psychophysics* 37. pp. 35–44.
- Lopriore, L. & J. Mihaljević Djigunović (2011). "Attitudinal aspects of early EFL learning". *Empirical Studies in English Applied Linguistics. UPRT*.
 - MacIntyre, P. et. al., (2002). "Sex and age effects on willingness to communicate, anxiety, perceived competence, and L2 motivation among junior high school French immersion students". *Language Learning*. 52. pp. 537-564.
 - Mihaljević Djigunović, J. (1993) "Investigation of Attitudes and Motivation in Early Foreign Language Learning", In Vilke, M. and Y. Vrhovac (Eds.). *Children and Foreign Languages* (pp: 45-72). Zagreb: University of Zagreb.
 - Mihaljević Djigunović, J. (1995). "Attitudes of young foreign language learners: A follow-up study". In M. Vilke & Y. Vrhovac (Eds.). *Children and foreign languages II* (pp:16-33). Zagreb: Faculty of Philosophy.
 - ----- (2012). *Early EFL Learning in Context – Evidence from a Country Case Study*. London: The British Council.
 - ----- & M. Vilke (2002). Eight Years After: Wishful Thinking vs. Facts of Life. In: J. Moon and M. Nikolov (eds.), *Research into Teaching English to Young Learners* (pp. 66–86). Pecs: University Press PECS.
 - Munoz, C. (2013). "Exploring young learners' foreign language learning awareness". *Language Awareness*. DOI: 10.1080/09658416.2013.863900.
 - Nikolov, M. (2002). *Issues in English language education*. Bern: Peter Lang.
 - Szpotowicz, M. et al., (2009). "Early Language Learning in Europe: A multinational, longitudinal study". In: J. Enever, J. Moon and U. Raman (eds), *Young Learner English Language Policy and Implementation: International Perspectives*, 141–147. Reading, UK: Garnet Publishing Ltd.
 - Vilke, M. (1979). "The Age Factor in the Acquisition of Foreign Languages", *Rassegna Italiana di Linguistica Applicata*. pp. 179–190.